

گزارش مراسم چهل و پنجمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران

پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت بهشت ۱۳۸۵ چهل و پنجمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران مانند چند ساله اخیر در حالی برگزار شد که همچنان بدلیل توقیف دفاتر این حزب، کلیه مراسم حزبی در منازل اعضای نهضت برگزار می شود.

چهل و پنج سال پس از تأسیس نهضت آزادی ایران توسط مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، آیت الله طالقانی و جمعی دیگر از همفکرانشان نهضت همچنان تصاویر بنیانگزاران فقیدش را در پشت سر سخنرانان نصب کرده تا تاکید کند همچنان که برخی سخنرانان اشاره نمودند به گذشته خود افتخار می کند و از نزدیک به نیم قرن پیش که دکتر محمد مصدق پیشوای نهضت ملی ایران اعضای نهضت را کسانی خواند که "در راه آزادی و استقلال ایران عزیز از همه چیز خود می گذرند" تا امروز همچنان که میهمانان جشن سالگرد نهضت تصریح نمودند همین روش و منش را توأم با دینداری روشنفکرانه در هم آمیخته‌اند و ماحصل تشکیلی شده که نزدیک به نیم قرن به رغم تمام مشکلات و فشارها استوار و پابرجا ایستاده و با حضور پررنگی که در جشن سالگرد چهل و پنجمین سال تأسیس از اعضای جوان خود به رخ کشید نشان داده که این کوه تجربه به آینده ای پر امید نیز رو دارد.

تجربه پر ارزشی که بسیاری از صاحب نظران آنرا گنجی ذیقیمت ارزیابی نمودند و اظهار امیدواری نمودند تا نهضت آزادی ایران این تجربه را سخاوتمندانه در اختیار نه تنها اعضای جدید و جوان خود بلکه سایر تشکلهای سیاسی و اصلاح طلب نیز قرار دهد.

مراسم سالگرد نهضت آزادی روز گذشته در منزل آقای مهندس صباغیان با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید در توصیف جهاد در راه خدا آغاز گردید و پس از خیر مقدم و سخنرانی افتتاحیه دکتر سید احمد صدر حاج سید جوادی از بنیانگذاران نهضت، دکتر ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت راهبردها و برنامه‌های نهضت در سال آینده را تشریح نمود و سپس فرزاد ساجد اردبیلی از اعضای جوان شاخه تبریز نهضت آزادی مطالبی تحت عنوان جوانان و نهضت آزادی ایران را ارائه نمود. در ادامه این مراسم دکتر محمد رضا خاتمی دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی یکی از مهمترین احزاب اصلاح طلب از ضرورت انتقال تجربه نهضت آزادی به سایر احزاب و گروهها سخن گفت. عبدالله مومنی سخنگوی سازمان ادوار تحکیم وحدت با ستایش از سابقه شفاف سیاسی نهضت از اینکه شرایط کشور بگونه‌ای شده که نهضت آزادی به عنوان حزبی که از بنیانگذاران انقلاب بوده اینچنین تحت فشار است و اعضای آن نسبت به انحراف انقلاب نگران و منتقدند اظهار تاسف نمود. ماشاءالله شمس الواعظین نایب رئیس انجمن صنفی مطبوعات با بیان اینکه اگر بخواهم زمانی فعالیت سیاسی داشته باشم نهضت آزادی را برمی‌گزینم، افزود: نهضت آزادی ایران حرکت جامع‌الاطرافی دارد که طولانی بودن مدت فعالیتش، سنت‌ها، عرف‌ها و سنن تشکیلاتی را ایجاد کرده که دیگر نیروهای سیاسی می‌توانند از آن بهره ببرند، نرگس محمدی سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر از نهضت آزادی به عنوان یک حزب دیرپا که در تحولات سیاسی و فکری بویژه در زمینه روش فکری دینی موثر بوده است خواست تا به پرسشهای سازگاری اسلام با حقوق بشر پاسخ دهد. دکتر جلال جلالی زاده به نمایندگی از جنبش اصلاح طلبان کرد با بیان اینکه نهضت آزادی همچون برخی احزاب به نام اسلام و ایران، به نان و نامی نرسیده است، خاطر نشان کرد: در سالهای اختناق دهه ۶۰ که مردم از سیاست و سیاست‌ورزی متنفر بودند، این حزب پا گرفت و این

روزها در مجامع فرهنگی و دانشگاه‌ها پایگاه اجتماعی دارد و این گویای محبوبیت این حزب در ایران است. و نماینده جبهه ملی ایران نیز پیام تبریک و شادباش این جبهه را به مناسبت سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران قرائت نمود.

همچنین در این مراسم عبدالله نوری وزیر کشور سابق، اکبر گنجی روزنامه‌نگار تازه از بند رسته، دکتر ورجاوند و حسین شاه حسینی از اعضای برجسته جبهه ملی ایران، اعضا و دبیر کل حزب ملت ایران یادگار داریوش و پروانه فروهر، اعضای جنبش مسلمانان مبارز و دبیرکل آن دکتر پیمان، فعالان ملی-مذهبی همچون بسته‌نگار، تقی رحمانی، حسین رفیعی و... اعضای کلیه طیفهای اصلاح طلب دفتر تحکیم وحدت و شورای مرکزی سابق و فعلی این تشکل نظیر حاج بابایی، نارکی، ایرانشاهی، اعضای شاخه جوانان جبهه مشارکت ایران اسلامی، برخی فعالان سیاسی مستقل همچون هرمز ممیزی،... و روحانیون اصلاح‌طلبی چون حسین انصاری راد، دکتر محسن کدیور، جمعی از فعالان و علاقمندان استان ها و ... حضور داشتند. این مراسم که توسط عماد بهاور یکی دیگر از اعضای جوان نهضت آزادی اداره می شد پس از حدود سه ساعت با همخوانی سرود ای ایران توسط حاضران به پایان رسید به پیوست متن سخنرانی اعضای نهضت آزادی ایران در این مراسم و گزارشی از سخنرانی میهمانان ملاحظه می‌گردد.

متن سخنرانی افتتاحیه دکتر احمد صدراج سید جوادی در مراسم چهل و پنجمین سالگرد نهضت آزادی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

خداوند دانا و توانا را سپاس می‌گذارم که با همه محدودیتها و مشکلات موجود توفیق برگزاری مراسم چهل و پنجمین سالگرد تاسیس نهضت آزادی ایران را به ما عطا کرد و به این بنده ی ضعیف نیز عمر و توان و افتخار ارزانی فرمود تا گشاینده ی این مجلس و مراسم آن باشم.

از شما سروران گرامی، خواهران و برادران عزیز که دعوت ما را برای شرکت در این گردهمایی صمیمانه پذیرا شده و با حضور شریف‌تان به آن گرمی و رونق بخشیده‌اید از طرف نهضت آزادی ایران و خودم سپاس گذاری می‌کنیم و مقدم‌تان را گرامی میداریم.

همان گونه که می‌دانید جمعیت نهضت آزادی ایران با سرمایه ی معنوی راستی و درستی و صمیمیت و همبستگی با مردم شریف ایران حول محورهای اسلامیت و ایرانیت و مبارزه با استبداد سلطنتی و استیلای خارجی بدان گونه که پیشوای نهضت ملی ایران، دکتر محمد مصدق، ترسیم کرده بود موجودیت یافت و به علت رویارویی با خودکامگی و به سبب اعتقاد به حاکمیت ملت در همان آغاز یعنی اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ در معرض فشار و سختی قرار گرفت به طوری که دو سال بعد رهبران و فعالان آن به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دستگیر و با حکم دادگاه فرمایشی نظامی به چندین سال زندان محکوم گردیدند و پس از آن نیز فشار شدید ساواک و زندانی شدن مکرر برخی از رهبران و فعالان نهضت امکان فعالیت علنی و قانونی را از آنان سلب کرد.

سران و فعالان نهضت آزادی در مسیر خواست و اهداف ملت شریف ایران در شکل‌گیری و مدیریت انقلاب اسلامی نقش موثری ایفا کردند و پس از پیروزی انقلاب نیز عهده دار و پذیرای مسئولیت و خدمت شدند و نتوانستند به جمع نهضت سر و سامان دهند ولی پس از استعفا ی دولت موقت تلاش‌هایی برای تجدید گسترش فعالیت نهضت صورت گرفت و سر انجام در سال ۱۳۵۹ دوره جدید فعالیت با تشکیل کنگره سوم و با پیوستن افراد جدیدی به آن آغاز گردید.

متأسفانه از آن زمان تا کنون نیز نهضت آزادی ایران به علت پایبندی به اصول مورد اعتقادش و نقد عمل کرد مسئولان کشور پیوسته زیر فشار و محدودیت و ممنوعیت قرار داشته و بسیاری از مسئولان و فعالان آن یک یا چند بار به زندان افتاده اند و دفتر آن چند بار توقیف شده است که آخرین مورد آن در آغاز سال ۱۳۸۰ رخ داد که همچنان ادامه دارد.

از محدودیت دیگر میتوان به عدم انتشار و عدم امکان استفاده از امکنه عمومی و استفاده از رسانه های جمعی و جلوگیری از نامزد شدن اعضای نهضت برای ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس و عضویت در شورا های شهر اشاره نمود. ذکر جزئیات مربوط به آنچه گفته شد از حوصله این مجلس خارج است و علاقه مندان می‌توانند برای اطلاع از مواضع و فعالیت های انجام یافته و بررسی سوابق به اسناد منتشر شده از طرف نهضت مراجعه فرمایند.

به هر حال با آن که مسئولان و اعضای نهضت آزادی همواره رسالت و وظیفه سنگینی را برای خدمت به میهن و مردم بر دوش خود احساس می‌کرده اند، به علت وجود مجموعه ای از محدودیت ها و

ممنوعیت‌ها، توفیق نیافته اند است که به بخش عمده ی آرمان‌ها و هدف‌هایشان که همان آرمان‌های ملت ایران در صد سال گذشته است دست یابند؛ ولی با وجود همه سختی‌ها و تنگنا‌ها که شمه‌ای از آن‌ها گفته شد،

نهضت آزادی ایران همچنان که تا کنون در برابر انواع دشواری‌ها ایستادگی کرده و پایدار و استوار باقی مانده است مصمم است که به یاری پروردگار توانا و پشتیبانی مردم شریف مبارز در راستای تحقق آزادی‌های اساسی، حاکمیت ملت (مردم سالاری) و عدالت بر پایه ارزش‌های اسلامی، قانون اساسی و بیانیه جهانی حقوق بشر به راهش ادامه دهد؛ و به مردم رنجیده و همه فعالان سیاسی و اجتماعی نیز فروتنانه و خیر خواهانه خواهش و هم‌توصیه می‌کند که با ایمان خداوند توانا و تسلط بر نفس شیطانی خود خواهی و خود پرستی و چیره شدن بر هر گونه ناامیدی، با وفاق و هم‌دلی و شرکت فعالانه و موثر و سازمان یافته در عرصه‌های عمومی برای دست‌یابی به آرمان‌های والای آزادی، مردم سالاری و عدالت اجتماعی و عمومی مجاهدت و فداکاری نمایند .

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

متن سخنرانی آقای دکتر ابراهیم یزدی در مراسم چهل و پنجمین سالگرد نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران، راهبردها و برنامه‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

سپاس به درگاه خداوند جان و خرد که بار دیگر به ما توفیق داد تا برای بزرگداشت سالروز تاسیس نهضت آزادی ایران به دور هم گرد آئیم.

از طرف خود و شورای مرکزی نهضت آزادی ایران حضور شما عزیزان و سروران را در این برنامه خوش آمد میگویم و از اینکه دعوت ما را پذیرفته‌اید سپاسگزارم.

رسم همه ساله ما در این مراسم این بوده است که یک گزارش سیاسی - تحلیلی از اوضاع جهان خاورمیانه، ایران و نهضت آزادی ایران ارائه داده میشود. اما در این مراسم قرار بر این شده است که یک بررسی و ارزیابی اجمالی از راهبردها و عملکردهای گذشته و دیدگاهها و برنامه‌های آینده نهضت ارائه شود، و فرصت بیشتری به مهمانان عزیزی که در مجلس ما حضور پیدا کرده‌اند داده شود تا شنونده و بهره‌مند دیدگاهها و ارزیابیهای آنان باشیم.

چهل و پنج سال پیش در چنین روزی شادروان مرحوم مهندس بازرگان از طرف موسسین، آغاز فعالیت نهضت آزادی ایران را اعلام کرد.

بررسی عملکردها و ارزیابی دستاوردهای نهضت آزادی در شش محور صورت میگیرد: محور اول پاسخ این پرسش است که در تاسیس نهضت آزادی چرا به جای حزب از عنوان «نهضت» استفاده شده است. آیا انتخاب این نام با عنایت به معنا و مفهوم واژه نهضت و تفاوت آن با واژه حزب بوده است یا پرهیز از به کارگیری واژه «حزب» که در گفتمان سیاسی مردم ایران بار معنایی چندان مطلوبی ندارد؟

مرحوم مهندس بازرگان در سخنان خود در مراسم اعلام تاسیس به روحیه حزبگریزی و ترس از کار جمعی در میان ایرانیان توجه کرده است. اما به نظر میرسد که در انتخاب واژه «نهضت» به مفهوم یک جنبش و حرکت، که گسترهای فراتر از یک حزب و یک سازمان واحد دارد، توجه ویژه شده است. زیرا به کارگیری و نهادینه شدن احزاب سیاسی و هر نوع نهادهای مردمی، پیامد تامین و تحقق حقوق و آزادیهای اولیه و استقرار دموکراسی است. در سایه روابط مدنی و قانونمند در یک جامعه دموکراتیک است که احزاب میتوانند روابط خود را با یک دیگر و با طبقات اقتصادی - اجتماعی نهادهای قدرت قانونمند و تعریف شده تنظیم نمایند. در جامعه پیشا دموکراسی، اولویت اول به حرکت‌های ملی و فراطبقاتی، در راستای تحقق اهداف کلان مورد نیاز همه قشرها میباشد. در جامعه پیشا دموکراسی جنبش‌هایی یا نهضت‌ها کارآیی بیشتری دارند تا احزاب سیاسی. حزب برای سازماندهی نیروهای مردمی در یک جامعه دموکراتیک است اما جنبش برای بیرون آوردن مردم از بیتفاوتی و حرکت دادن آنها در جهت هدف یا اهداف عام ملی میباشد.

در انقلاب مشروطه، جنبشی در میان طبقات و اقشار مختلف جامعه در جهت «مشروط کردن» قدرت مطلقه پادشاه به وجود آمد. هدفی که فراگروهی، طبقاتی و قومی بود توانست قشرهای مختلف مردم را

به حرکت درآورد. در جنبش ملی شدن صنعت نفت، اگر چه احزاب سیاسی فعال بودند، اما ویژگی حرکت سیاسی - اجتماعی، سرشت نهضتی یا جنبشی بودن آن بود. بنابراین هدف از تاسیس نهضت آزادی چیزی فراتر از یک حزب یا سازمان سیاسی بود. هدف ایجاد یک جنبش همگانی در جهت تامین حقوق و آزادیهای ملی بود. در جنبش ملی، به رهبری دکتر مصدق، محور اصلی رفع و دفع سلطه بیگانگان و کسب استقلال بود. هدفی که کل جامعه ایران را دربر گرفت.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ضرورت مبارزه با استبداد داخلی به عنوان مهمترین مسئله ملی خود را نشان داد. بنابراین، یک حرکت همگانی در جهت آزادی ضروری بود. اگر استبداد ام‌الفساد و از موجبات نکبت و سرافکندی و عقب‌افتادگی ملت ایران است، جنبش برای آزادی، رهایی از ظلم و ستم استبداد و تامین حقوق اولیه ملت امری اجتنابناپذیر است.

بنابراین تاسیس جمعیت «نهضت آزادی ایران» برای کمک به جنبش برای آزادی ملت ایران بود، بر اساس یک اندیشه سیاسی زیربنایی، نهضت آزادی ام‌الفساد را استبداد میدانند و به دلیل سابقه ۴۵ ساله آن در ایران، مبارزه با استبداد را یک هدف کلان ملی میدانند. فراتر از منافع قومی و طبقاتی. امروز جنبش برای آزادی یک خواست همگانی شده است. نهضت آزادی بدون این که ادعای انحصاری داشته باشد، خود را در این امر سهیم میدانند.

محور دوم - نهضت آزادی بنا به تعریف موسسین آن، ایرانی مسلمان و مصدقی است. مسلمان بودن نهضت آزادی از چه مقوله‌های است و چه ویژگی‌هایی و چه تفاوت‌هایی با اسلام سنتگرایان دارد؟ در دوران مشروطه و تا اوایل دهه ۱۳۲۰، مرزبندی مشخصی میان نیروهای اسلامگرا و دینمدار وجود نداشت. اگر چه تفاوت دیدگاهها و تفکرات در میان فعالان عصر مشروطه بارز بود. از اوایل دهه ۱۳۲۰، که جنبش‌های اجتماعی - فکری - سیاسی شکل گرفتند، در میان متفکران و فعالان مسلمان آرام آرام دو نگرش اساسی متفاوت بروز و ظهور کرد: اسلام سنتگرایان و اسلام روشنفکران.

سنتگرایان اسلامی، نگاه به گذشته دارند، غیر از قرآن، به عنوان یک نص غیرقابل تردید، به نصوص دیگری، که حاصل تفکرات مسلمانان در گذشته است نیز اعتقاد دارند. فضا و زمان و اقتضائات جامعه جدید را نه میشناسند و نه شناسایی آن را ضروری میدانند.

موسسین اصلی و برجسته نهضت آزادی، از پیشگامان جنبش روشنفکری دینی محسوب میشوند. و نهضت آزادی نیز خود را معتقد و متعلق به روشنفکری دینی میدانند.

روشنفکری دینی یک پدیده یا جنبش واقعی فکری - اجتماعی است. اگر چه بعضی از روشنفکران غیردینی، این واژه را برنمی‌تابند اما واقعیتها را نمیتوان انکار کرد.

روشنفکری دینی و سنتگرایی دو پدیده عام و جهان شمول در دنیای اسلام هستند. روشنفکر دینی هم درصدد و شناسایی فضا و زمان جدید و عناصر مثبت و مفید آن میباشد و هم به دنبال راهکارهای بومی کردن مفاهیم جدید و ادغام آنها در فرهنگ ملی میباشد. روشنفکر دینی، از طرف دیگر به دنبال آن است که برای ارزشهای اصیل دینی، قالبهای جدیدی به تناسب نیاز ابداع نماید.

روشنفکری دینی پدیده ای است که از درون جنبش‌های بیدارگری، اصلاحگری دینی، نواندیشی دین، شکل گرفته و قد برافراشته است. روشنفکری دینی، همچون هر روشنفکر دیگری نسبت به محیط و پیرامون خود نگاه نقادانه دارد و درصدد تغییر شرایط میباشد.

نگاه و بررسی اجمالی نشان می‌دهد که آینده جهان اسلام و ورود مسلمانان به عصر توسعه به جنبش روشنفکران دینی وابسته است.

زمانی سخنگویان و نظریه‌پردازان عمده و اصلی جنبش روشنفکری دینی، از میان موسسین و رهبران نهضت آزادی ایران بودند که خود موجب اعتبار آن شده بود. اما امروز این محدودیت یا انحصار وجود ندارد. جنبش روشنفکری دینی قدرت ویژه‌ای پیدا کرده است. متفکران برجسته‌ای بروز و ظهور پیدا کرده‌اند و رسالت روشنفکری دینی را برعهده دارند. دیگر امروز نمیتوان و نباید همان چیزی را که ۲۰-۲۵ سال پیش از نهضت آزادی انتظار میرفت، توقع داشت. بپتدید مشاهده این موفقیت برای بازرگان بسیار خوشایند و فرحبخش است. و او اگر چه امروز حضور ندارد، اما از این که جنبش روشنفکری دینی رو به توسعه و گسترش است خوشحال می‌باشد .

تجربه مسلمانان در کشورهای مختلف با جریان‌ها و جناحهای سنتگرا، از جمله در ایران حاکی از آن است که آینده جهان اسلام به روشنفکری دینی تعلق دارد. و پاسخ دهنده به ضرورت تغییرات و تحولاتی اجتنابناپذیر.

نکته سوم - این که بازرگان با این بیان که ما نهضتی ایرانی و مسلمان و مصدقی هستیم. نهضت آزادی را حرکتی با هویت ملی - اسلامی معرفی میکند و این حاوی چند معناست. اول آن که ملی بودن و مسلمان بودن با هم در تعارض نیستند. دوم اینکه هویت ما ایرانیان دوبعدی است، دو رکن دارد: ملیت و دیانت یا ایرانیت و اسلامیت.

جنبش‌های اجتماعی - سیاسی هنگامی ریشه‌دار میشوند که با ارکان هویت ملی پیوند بخورند. دکتر مصدق و جنبش ملی احساس تعلق ملی را در ما ایرانیان زنده کرد، آگاهی ملی حصول جنبش ملی بود. اما این احساس و آگاهی ملی در فرایند تعمیق و توسعه خود، از سطح به لایه‌های زیرین هویت ملی - لاجرم به دو بعدی بودن هویت ملی یعنی همان ملیت و دیانت یا ایرانیت و اسلامیت میرسد.

دکتر مصدق آگاهانه در فرازهایی از سخنانش، تعهد خود را به هر دو رکن با صراحت اعلام کرده است . توسعه جنبش برای آزادی ایران ، نیازمند پیوند آن با هر دو رکن هویت ملی است. نمیتوان به بها و بهانه ملی بودن، بعد دیانت هویت ملی را نادیده گرفت. و یا برعکس به بهانه دین و خدا به هویت ملی و فرهنگ ایرانی بیاعتنا بود. ویژگی ملی - اسلامی نهضت آزادی ایران از این ضرورت سرچشمه میگردد.

خوشبختانه امروز توجه و آگاهی به ویژگی ملی - اسلامی یا ملی - مذهبی به یک امر غالب تبدیل شده است. حتی مسلمانان سنتگرایی که ملی بودن را در تعارض با دینی بودن میدانند و با نهضت آزادی سر نامهربانی دارند، ندانسته ملی - مذهبی هستند. نام اشخاص و اشیاء بخشی از هویت آنان محسوب میگردد. مثلا آقای مصباح یزدی - مصباحاش یک واژه دینی - قرآنی است و یزدیاش یک مکان ایرانی (ملی) است. و نیز هاشمی رفسنجانی به این ترتیب. برای ارزیابی عملکرد گذشته نهضت آزادی ایران باید وضعیت : ۱- جنبش عام ملت ایران برای آزادی را، ۲- جنبش روشنفکری دینی و ۳- گستردگی آگاهی عمومی بر هویت دو بعدی ملی - مذهبی را مورد توجه قرار داد .

بدون اینکه حق یا تاثیر ویژه و انحصاری برای نهضت آزادی قائل باشیم، بر این باوریم که هر سه محور موثر بوده‌ایم. امروز آزادی به یک درخواست همگانی و انگیزه عمومی تبدیل شده است. روشنفکری دینی بیش از هر زمان تناور و اثر گذار است و آگاهی از ابعاد هویت ملی گسترده و فراگیر است.

محور چهارم - نقد عملکردها:

بر ما خرده میگیرند که: ۱- نهضت نتوانسته است از حیث سازمانی توسعه پیدا کند و این ایراد واردی است. درست است که «نهضت» حزب نیست و قرار هم نبود که حزب شود. هدف در واقع ایجاد یک جنبش همگانی برای آزادی است. اما اینطور هم نبوده است که نمیتوان یا نباید جمعیت «نهضت آزادی» را به یک حزب تبدیل کرد. کارشناسان سیاسی برای احزاب سیاسی سه نقش اصلی اولیه قائل هستند: ۱- اثرگذاری بر فرایند تحولات سیاسی، - ایجاد ارتباط با مردم، و ۲- بسیج و تجهیز و سازماندهی نیروهای مردمی و همه اینها در نهایت برای کسب قدرت سیاسی.

در یک نگاه اجمالی شاید بتوان گفت که نهضت آزادی ایران در تاریخ چهل و پنج ساله خود، بر روند تحولات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ایران به نسبت‌های کم یا زیاد، قبل و بعد از انقلاب اثرگذار بوده است. اما دربارهٔ ایجاد ارتباط با مردم باید گفت که اگر منظور ارتباط سازمان یافته و ارگانیک باشد، اقرار میکنیم که به علت موانع فراوانی که در یک جامعه پیشا دموکراسی وجود دارد موفق نبوده‌ایم - در بخشی از سخنان خود به برخی از این موانع اشاره خواهم کرد - اما اگر منظور ایجاد ارتباط ذهنی - نه ارگانیک در افکار عمومی است، باید پذیرفت که نهضت آزادی در این امر موفق بوده است و یکی از دلایل استمرار حملات تبلیغاتی علیه نهضت آزادی همین حضور در افکار عمومی، خصوصاً نسل جدید و جوان است.

اما چرا در توسعه مطلوب سازمانی و تشکیلاتی ناموفق بوده‌ایم؟ فعالیت و مبارزه سیاسی علی‌الاصول میبایستی بعد از مرحله تاثیرگذاری و ارتباط غیرارگانیک با مردم به مرحله سوم یعنی سازماندهی نیروهای مردمی ارتقاء پیدا کند. اما در یک جامعه و شرایط غیردموکراتیک این مرحله بسیار سخت و پرهزینه است. محور اصلی و عام سیاستهای سرکوبگرایانه حکومت‌های توتالیتر جلوگیری از ایجاد ارتباط ارگانیک و غیر ارگانیک احزاب سیاسی با مردم میباشد. اشاره شد که رابطه نزدیک و تنگاتنگی میان حزب و دموکراسی وجود دارد. به همان نسبتی که جنبش برای آزادی و دموکراسی به پیروزی‌هایی دست پیدا میکند، در پرتو آن احزاب شکل میگیرند؛ اما چون فرایند تثبیت آزادی و دموکراسی، خطی نیست و همیشه با فراز و نشیب‌هایی روبرو است شکلگیری احزاب هم متأثر از این جزر و مد یا فراز و نشیب است. به عنوان مثال، نهضت آزادی، بعد از پیروزی انقلاب، به تصور یا امید این که به یک نظام قانونمند و متکی به آرای ملت دست یافته‌ایم اقداماتی را برای ساماندهی نیروهای خود اعمال نمود. اما متأسفانه چنین نبود و نشد. بنابراین نهضت آزادی در مسیر سازماندهی حزبی حرکت نوسانی داشته و دارد. آقای دکتر جلالیپور، هنگامی که به کمک دوستانشان جامعه روز را تاسیس کرده بودند، یک سری مصاحبه‌هایی را درباره نهضت آزادی با من داشتند. گفتند که هنگامی که در انگلیس درس میخواندند، سری به دفتر مرکزی حزب کارگر زدند و در آرشیو، اسناد حزبی، نظیر صورت جلسات و غیره، را از سالهای اولیه مشاهده کردند، که بسیار آموزنده بود. ایشان پرسیدند آیا نهضت آزادی آرشیوی از فعالیتهای درون سازمانی خود دارد؟ برای ایشان توضیح دادم که در انگلیس احزاب امنیت دارند. ما در ایران امنیت نداریم. قبل از انقلاب به یک نوع و بعد از انقلاب به نوع دیگری، دچار ناامنی هستیم. تمام ارکان نهضت آزادی از جمله، شورای مرکزی، دفتر سیاسی، هیات اجرایی، کمیته‌های زیر مجموعه هر یک از این سه نهاد حزبی، مشروح مذاکرات و مصوبات خود را مینویسند و پس از قرائت و تصویب، در

بایگانی نگهداری میشود. اما در جریان حملات نیروهای امنیتی به دفتر مرکزی نهضت و یا منازل فعالان و مسئولین آن، این اسناد عموماً به یغما برده شده است.

یک مثال دیگر، خاطرات مرحوم مهندس بازرگان در دوران زندان است. ایشان در آن دوران ۲۳ دفترچه خاطرات روزانه زندان را، در تهران و برازجان نوشته بودند. با تمهیداتی این دفترچه‌ها به بیرون از زندان فرستاده میشد. در دوران فعالیت ساواک، و حملات به منازل تعدادی از این دفترچه‌ها به هر حال از بین رفت. پس از انقلاب، با این پیش فرض که وارد عرصه تازهای از آزادی و امنیت شده‌ایم، اقداماتی برای جمع‌آوری و چاپ اسناد فعالیت‌های نهضت آزادی صورت گرفت. از آن جمله توانستیم ۱۸ دفترچه از خاطرات اسناد مهندس را جمع‌آوری کنیم. چاپ آنها در دستور فوری کار قرار گرفت. اما طی حملاتی که در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۷۰ به دفتر نهضت و به دنبال آن منازل اعضا صورت گرفت، این دفترچه‌ها و آنچه حروفچینی شده بود، همه به تاراج رفتند. تنها سه دفترچه از گزند روزگار مصون ماند که به همت مرحوم سرهنگ نجاتی در خاطرات بازرگان آمده است. در جریان بازداشت اعضای نهضت در سال ۱۳۸۰ مامورین امنیتی صورتی جلسات شورای مرکزی و هیات اجرایی، مربوط به سالهای ۱۳۶۰ - ۱۳۶۴ را از منازل برده بودند، و از اعضا دربارهٔ برخی از مسائل که در آن جلسات مطرح شده بوده است، بازجویی میکردند. از جمله این که در یکی صورت جلسات گزارش دیدار هیاتی از طرف نهضت آزادی با آیت‌الله منتظری، که در آن موقع قائم‌مقام رهبری بودند داده شده بود و در آن آمده بود که ایشان به نمایندگان نهضت آزادی توصیه کرده بودند که از ردصلاحیت مهندس بازرگان ناراحت نباشید و واکنش نشان ندهید و خود را برای روز مبادا نگهدارید. بازجو اصرار داشت بداند منظور ایشان از این که خود را برای روز مبادا حفظ کنید چه بوده است.

چگونه ممکن است در چنین شرایط امنیتی - پلیسی احزاب بتوانند فعالیت مطلوب و بهینه را داشته باشند و تحزب نهادینه شود.

در این مرحله، شیوه موثر توجه به این نکته است که برخورد دولت سرکوبگر با احزاب مخالف یا منتقدان از اصل هزینه - فایده پیروی میکند. اگر دولت بتواند با کمترین هزینه فعالیت‌های احزاب مخالف را متوقف کند، در انجام آن تردید نخواهد کرد. اما اگر مخالفین سیاسی فعالیت‌هایشان را به گونهای مهندسی کنند که هزینه برخورد دولت با آنان بر سود آن بچربد، ممکن است از فشارها کاسته گردد و آستانه تحمل فعالیت مخالفین بالا برود.

2- ایراد دیگر به نهضت آزادی ایران این است: «که کسب قدرت سیاسی هدف نهایی سیاست است» کار اصلی حزب سیاسی، تلاش برای کسب قدرت به منظور انجام برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماع‌پاش میباید.

این ایراد واردی است. در یک جامعه دموکراتیک هر یک از احزاب برای توسعه کشورشان برنامه‌هایی دارند و برای اجرای آن برنامه‌ها وارد عرصه رقابت سیاسی و کسب قدرت میشوند.

اما در جامعه ماقبل دموکراتیک، هدف احزاب و گروه‌های پایبند اصول آرمانی و معیارهای متعهد به آن نمیتوانند وارد بازیهای قدرت بشوند. مقررات بازی قدرت در جامعه غیردموکراتیک با شرایط دموکراتیک به کلی متفاوت است. در جامعه دموکراتیک حزب نهاد تربیت و معرفی کادری شایسته برای مدیریت جامعه میباید. احزاب نقش اساسی را در رقابت‌های سیاسی ایفا میکنند.

احزاب برای کسب قدرت، به «اقتدار سیاسی» یعنی نفوذ و پایگاه در میان مردم نیاز دارند.

در جامعه پیشا دموکراسی هم قانونمندی کسب اقتدار سیاسی و هم هدف آن با جامعهای که دموکراسی در آن نهادینه شده باشد متفاوت است.

در جامعه پیشا دموکراسی - نظیر ایران - فرهنگ استبدادی هنوز بسیار عمیق و نافذ است. قانونگریزی یک رفتار غالب در جامعه پیشا دموکراسی است. تجربه انقلاب و قانون اساسی مشروطه و بعد از آن نشان میدهد که با تغییر در ساختارهای حقوقی نظام سیاسی، به تنهایی نمیتوان از تجدید حیات استبداد جلوگیری کرد.

در چنین جامعهای کار گروهی سیاسی حزب بسیار دشوار و سختترین و پرهزینهترین است. مردم ما بر پایه تجربه گذشته نگاه بدبینانه‌ای نسبت به کنشگران سیاسی و احزاب دارند. در چنین شرایطی، احزاب سیاسی ناگزیر باید برای بسط فرهنگ تحزب و کار سیاسی جمعی الگوسازی کنند و اعتماد مردم را جلب نمایند. باید به مردم نشان داد و ثابت کرد که حزب برای هدفهای سیاسی یا اقتصادی شخصی و گروهی، حتی برای کسب پایگاه در حکومت تشکیل نشده است. انتخاب سیاست راهبردی جنگ حجت و نه جنگ قدرت است. در چنین شرایطی احزاب سیاسی با کسب اقتدار سیاسی بر اساس جنگ حجت و نه جنگ قدرت میتوانند ساختارهای حقیقی را مهار و از برزخ شرایط پیشا دموکراسی به دموکراسی عبور نمایند.

لازمه جلب اعتماد مردم و کسب اقتدار سیاسی، پرهیز از تن دادن به مقررات رایج بازی قدرت است. همانطور که بارها گفته و نوشتیم:

نهضت آزادی ایران، با اعتقاد و پایبندی به ارزشهای اسلامی و انسانی، نمیتواند روشها سیاسی معطوف به قدرت - به تعبیر جامعه‌شناسان، ماکیاولیستی - را به کار گیرد. رفتارهای سیاسی ما معطوف به ایمان است و ما به خود اجازه نمیدهیم که برای کسب قدرت حکومتی بر موج سوار شویم و بر خلاف منافع ملی، همرنگ جماعت شویم.

احزاب یا رهبرانی که به جای هدایت مردم به دنبال مردم حرکت میکنند، به عوامفریبی دچار میشوند. رهبران فرهیخته‌ای که به اصل رفتار معطوف به ایمان، اعتقاد دارند، گاهی حتی خود را ناچار میبینند که در برابر افکار عمومی بایستند و هزینه آن را بپردازند. اما در درازمدت، هنگامی که گرد و خاکهای سیاسی فروکش میکند، مردم به صداقت و اعتبارشان پی میبرند و اقتدار سیاسی آنان افزایش مییابد. برخی از تحلیلگران در نقد رفتار سیاسی زنده یاد مهندس بازرگان به او ایراد گرفته‌اند که مواضعش با زمینه‌های عینی - ذهنی جامعه همخوانی نداشته است. اما بازرگان فراتر از رویدادهای جنجال برانگیز، منافع ملی را میدید و هیچگاه تسلیم جو نشد. امروز، بسیاری از منتقدانش او را به خاطر مقاومتش میستایند و به خطا بودن تحلیلشان اعتراف میکنند.

ما تاسیس نهضت آزادی ایران را بر اساس نیت بینانگذاران بزرگوار آن مصداق کلمه طیبه میدانیم که قرآن درباره آن فرموده است «الم ترکیف ضرب الله مثلا کلمه طیبه کشره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء» (ابراهیم ۲۴) (۱). ماهیت و ساختار نهضت آزادی ایران مصداق مفهوم «شاهد و واسط» است که در قرآن کریم چنین وصف شده است: «و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره ۱۴۳) (۲)

موفقیت نهضت آزادی ایران مرهون ثبات اندیشه و عمل (پندار و کردار) و مصداق «قول ثابت» است که قرآن درباره آن گفته است: «یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الآخره» (ابراهیم ۲۷) (۳) خداوند مومنان را به سبب اعتقاد استوارشان در دنیا و آخرت پایدار میدارد.

بنابراین، نهضت آزادی ایران، در تداوم راه موسسان و پیشگامان آن، همچنان بر حفظ ارزشها تاکید میکند و حاضر نیست که برای کسب قدرت از فنون سیاسی رایج، به هر قیمت، پیروی کند.

3- به نهضت آزادی ایران ایراد میگیرند که مواضع و برنامههای اقتصادی و خاستگاه و پایگاه طبقاتی نهضت آزادی روشن نیست. در حالی که هر حزب، علاوه بر مواضع عقیدتی و سیاسی باید مواضع اقتصادی روشن داشته باشد: «منافع و خواسته گروه خاصی را در جامعه، که پایگاه اصلی قدرت همان حزب است، نمایندگی کند» این سخن علیالاصول درست است. اما این مربوط به شرایطی است که آرمانها و خواستههای عمومی یک جامعه، که فراقومی، فراطبقاتی هستند تحقق یافته باشند. در شرایط کنونی جامعه ما خواست همگانی یا نیاز ملی - قانونمداری، و مهار ساختارهای حقیقی صاحبان قدرت است.

به عبارت دیگر بحث یا موضوع محوری، حق حاکمیت ملت است. دعوا بر سر لحاف ملانصرالدین است. اختلاف بر سر شیوههای مدیریت اقتصادی نیست نه اینکه انگیزه اقتصادی در حفظ قدرت مطرح نمیشود. اما تا ملت خود صاحب اختیار ملک مشاعی خود نشود، بحث بر سر چگونگی اداره اقتصادی این ملک مشاعی تاثیر چندانی ندارد. بی علت نیست که احزاب سیاسی ایران عموماً و اکثراً یا برنامههای اقتصادی ندارند یا مواضع و دیدگاههای آنان در حد اهداف یا آرمانهای اقتصادی است.

هنگامی که جامعه از وضعیت کنونی عبور کند و به مرحله دموکراسی وارد شود، و مقررات و قانونمندیهای یک جامعه دموکراتیک بر روابط احزاب و قدرت حاکم گردد، احزاب سیاسی میتوانند میبایستی بر اساس مبانی اعتقادی و آرمانهای اقتصادی، برنامههای اقتصادی کارشناسانه خود را ارائه دهند و مناسبات خود را گروهها و طبقات روشن نمایند.

محور پنجم - گزارش وضعیت کنونی: شاید برای ملت ایران به طور عام و گروههای سیاسی و فعالان جنبش برای آزادی، و همچنین علاقمندان به نهضت آزادی ضروری و مفید باشد که از وضعیت کنونی نهضت آزادی ۴۵ ساله آگاهی پیدا کنند.

این گزارش در سه سطح ارائه میگردد. اول گزارشی از درون: ۱- بعد از درگذشت دبیرکل فقید نهضت آزادی، عدهای اصرار داشتند و برخی پیشبینی میکردند که فعالیتهای نهضت هم با درگذشت ایشان متوقف گردد. اما چنین نشد. رهبری نهضت آزادی ایران توانست با پشت سر گذاشتن خلاء و شوک ناشی از فقدان دبیرکل فقید خود و علیرغم ضربات سنگین دستگیریهای سالهای ۱۳۶۷، ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ به فعالیتهای خود سامان دهد. برای شادروانان بازرگان، طالقانی، سبحانی هیچ چیز دلپذیرتر از این نیست که شاهد ادامه راه آنان در نهضت آزادی ایران باشند.

در این مدت کنگره یازدهم، بعد از یک فترت ۱۰ ساله تحمیلی و سپس کنگره دوازدهم با موفقیت برگزار شدند. ارکانهای درونی سازمان بازسازی شدند. شورای مرکزی، برای اولین بار موفق به تدوین و تصویب برنامه راهبردی شد که به تصویب کنگره دوازدهم رسید. ارکانهای مختلف در چارچوب این برنامه راهبردی فعالیتهای خود را تنظیم نمودهاند.

2- به رغم همه فشارهای بیرونی با توجه به اقبال جوانان از نهضت آزادی، عضوگیری، که از سالهای ۱۳۶۹-۷۰ متوقف شده بود، مجدداً آغاز شد و اعضای جدید و جوان در تهران و شهرستانها پذیرفته شدند، مراسم تحلیف انجام و برنامه‌های آموزشی در جریان است.

3- بازسازی سایت نهضت آزادی ایران و خبرگزاری میزان و انتشار مجموعه اسناد چهل و چهار سال فعالیت‌های نهضت آزادی، به صورت HTML و PDF و امکان جستجوی پیشرفته در سایت نهضت و همچنین به صورت لوح فشرده.

4- انجام مصاحبه‌های مطبوعاتی با رسانه‌های داخلی و نیز رسانه‌های بین‌المللی که در ایران دفتر یا خبرنگار دارند.

5- ایجاد روابط سیاسی منظم با احزاب و گروه‌های سیاسی و انجمن‌های دانشجویی و روزنامه‌نگاران در جهت فراهم آوردن زمینه‌های همکاری و همسویی بر اساس وفاق ملی، بر محور مشترکات ملی.

6- حضور فعال در برنامه‌های کلان ملی - نظیر انتخابات ادواری شوراها، مجلس و ریاست جمهوری و توفیق همکاری با سایر گروه‌های سیاسی.

اما گزارش دوم مربوط است به وضعیت برخورد حاکمیت با نهضت آزادی ایران.

1- در سال ۱۳۸۰ در دو نوبت، فروردین و اردیبهشت ماه، بیش از ۶۰ نفر از اعضا و علاقمندان نهضت توسط دادگاه انقلاب بازداشت و نزدیک به یکسال در زندان نظامی ۵۹ سپاه پاسداران زندانی شدند. در یک جلسه رسمی دادگاه، دادنامه‌ای حدود ۳۰۰ صفحه برای تمام متهمین قرائت شد. بدون آن که یک نسخه از آن به متهمین یا وکلای آنان داده شود. سپس هر یک از متهمین جداگانه، در اطاقهای دربسته، اکثراً بدون حضور وکلای مدافع محاکمه و به جریمه‌های نقدی و زندان از ۶ ماه تا ۱۱ سال محکوم شدند. احکام صادره به دنبال اعتراض متهمین به دادگاه تجدیدنظر ارجاع شد. اما با وجود گذشت چهار سال هنوز احکام ابلاغ و اجرا نشده است. زندانیان با سپردن وثیقه‌های سنگینی آزاد شدند. برای دبیرکل نهضت آزادی ایران، که علیرغم بیماری تا پایان درمانش به ایران بازگشته بود، قرار وثیقه سنگینی برابر با ۳۰۰ میلیون تومان صادر شد و ۵۲ جلسه بازجویی صورت گرفت.

اتهامات اعضای نهضت آزادی ایران عبارت بودند از: براندازی، اقدام علیه امنیت کشور، ارتباط با بیگانگان، تشویش افکار عمومی، توهین به مقام رهبری و برای دبیرکل علاوه بر اینها، نگهداری اسلحه و مهمات جنگی و شنود غیرقانونی تلفن منزل مسکونی وی نیز اضافه شده بود.

پس از پایان بازجویی از دبیرکل، دادگاه انقلاب زمان رسیدگی را معین کرد. اما چون دادگاه انقلاب قانوناً صالح برای رسیدگی به اتهامات نبود، عدم حضور خود را در دادگاه طی یک مصاحبه مطبوعاتی به اتفاق وکلای مدافع اعلام کرد. علاوه بر محاکمه اعضا و دبیرکل حکم مصادره غیرقانونی دفاتر نهضت آزادی در خیابان مطهری نیز صادر شده است. مجموعهای حاوی دادنامه صادره از دادگاه انقلاب، مدافعات حقوقی و وکلای متهمین مدافعات سیاسی نهضت آزادی و مدافعات شخصی متهمین تماماً به صورت یک مجموعه برای مسئولان کشور و علمای قم فرستاده شد.

شکایتی به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی - دوره ششم - داده شد که رسیدگی و رای کمیسیون مبنی بر غیرقانونی بودن احکام دادگاه انقلاب صادر شد.

2- فشارهای جدید وزارت اطلاعات: اگر چه احکام صادره ابلاغ و اجرا نشده‌اند، اما وزارت اطلاعات به خصوص بعد از تغییر دولت بر فشار خود به نهضت آزادی ایران افزوده است. حتی کلاسهای قرآن و

نماز جماعت را تعطیل کرده‌اند. مقامات این وزارت رسماً به مسئولان نهضت گفته‌اند که آنها نهضت را «برانداز»، از نوع «آرام و قانونی» آن، میدانند. این در حالی است که مسئولان این وزارتخانه در دولت قبلی، برخلاف نظر دادگاه انقلاب اعلام کردند که نهضت آزادی را برانداز نمیدانند. البته مسئولان جدید، نظر مسئولان قبلی را قبول ندارند. اما در مقررات قانونی، هیچ کجا «براندازی آرام و قانونی» تعریف نشده است اما از مجموعه ادعاهای آنان چنین برمیآید که مسئولان مربوطه بر این باورند که حاکمان نظام معادل یا برابر خود نظام هستند. بنابراین تغییر آنها یعنی تغییر نظام یا به تعبیر آنان «براندازی» و چون نهضت آزادی درصدد تغییر مسئولان و حاکمان از طریق انتخابات است بنابراین آن را «براندازی آرام و قانونی» خوانده‌اند.

نهضت آزادی ایران بر این باور است که وزارت اطلاعات حق داوری ندارد. آنها بر طبق قانون میبایستی اطلاعات خود را در اختیار وزارت کشور، که قانوناً مسئول نظارت بر احزاب سیاسی است، قرار بدهند و کمیسیون ماده ۸۰، بعد از دادن تذکر شفاهی و اخطار کتبی، پرونده را به دادگاه عمومی ارسال دارد تا بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی شود.

3- در ماههای اخیر موج تبلیغاتی گسترده‌ای علیه نهضت آزادی و رهبران آن صورت گرفته است. مقالات و نشریات متعدد چاپ و در تیراژ وسیعی توزیع میشود. یک فهرست ناقص از این نشریات عبارتند از:

1- مقالات متعدد در نشریه «شما» ارکان حزب مومتلفه اسلامی

2- خاطرات آقای بادامچیان

3- خاطرات آقای ناطق نوری

4- مقالات متعدد در کیهان یومیه و سایر روزنامه‌ها وابسته به یک جریان خاص

5- نشریات بسیج و سپاه

6- نشریات وابسته به آقای مصباح یزدی، نظیر پرتو و...

محور ششم - نهضت ادامه دارد.

برخی می‌خواستند که نهضت با مهندس بازرگان دفن شود و نام نیک آن تنها در تاریخ بماند اما این جریان ادامه یافت و هرچند اخیراً در دوران دولت مهرورزی فشارها بر آن افزوده شده است اما نهضت استوار و ثابت قدم به پیروی از فرموده خداوند که "من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه و منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلاً" همچنان به راه خود ادامه خواهد داد و برای این منظور استراتژی و راهبردهای خود را نیز تدوین نموده و به تأیید کنگره و شورای مرکزی نیز رسیده و اجرا خواهد شد.

از قول اقبال لاهوری :

ساحل افتاده گفت گر چه بسی زیستم

هیچ نه معلوم شد بهر چه من زیستم

موج ز خود رفتهای بازخامید و گفت

هستم اگر میروم گر نروم نیستم

- (1) یا توجه نکردی که خدا چگونه سخن نیکو را به درخت زیبایی تشبیه کرده که ریشه‌اش [در زمین] استوار است و شاخه‌هایش در فضا [سرکشیده] است.
- (2) بدین گونه شما را امتی میانه (رو) گرداندیم تا نمونه برای مردم باشید.
- (3) خدا افراد با ایمان را با گفتار [و اعتقاد] ثابت در زندگی دنیا و آخرت استوار میدارد.

مقاله ویرایش شده آقای فرزاد ساجد اردبیلی در مراسم چهل و پنجمین سالگرد نهضت آزادی ایران

بنام خدا

جوانان و نهضت آزادی ایران

قبل از انقلاب ۵۷ تحت تاثیر قطب بندی جهانی و فضای فرهنگی کشور ، باور های چپ از اقبال بیشتری برخوردار بودند و حتی مخالفان آن نیز به میزان زیادی تحت تاثیر اندیشه های مارکسیستی قرار داشته و از طرف دیگر حتی بیشتر تفکرات خود را در قالب انتقاد از مارکس و مارکسیسم ارائه می کردند . حضور ذهنیت جزم گرایانه ، مطلق گرایانه و رادیکال از جمله خصوصیات حاکم بر اکثریت اندیشمندان این دوره می باشد که بعد از انقلاب و تثبیت نظام سیاسی این ویژگیها جزء اصلی نظام سیاسی نیز گردید. یک چنین ذهنیتی باعث می شد که گروههای مختلف برای تصرف قدرت و پیاده کردن ایده های خود به شکل حکومتهای کشورهای شرقی روی بیاورند این روند در اوایل انقلاب نیز به همین شکل ادامه یافت و با وجود همه شعارهای آزادیخواهانه در نهایت یک نظام بنیادگرا و انحصارگرا شکل گرفت.

تاسیس نهضت آزادی ایران

در اوایل دهه ۴۰ ، برخی از افراد دانشگاهی و تحصیلکرده معتقد و مسلمان ، لزوم تاسیس یک تشکل و جنبش اسلامی را که در عین حال مدرن نیز باشد احساس کردند از این رو اولین تشکیلات سیاسی که با وجود داشتن صبغه اسلامی از اسلام سنتی فاصله گرفت شکل گرفته و گفتمان سنتی اسلامی را کنار گذاشت این تشکل که در سال ۱۳۴۰ توسط مرحوم بازرگان و یارانش تاسیس گردید کار خود را در دو عرصه سیاست و فرهنگ دنبال کرد . در واقع این تشکیلات با اهدافی چون مبارزه علیه استبداد حاکم ، احقاق حقوق حقه ملت ایران ، ارائه یک چهره مدرن و مبارز از اسلام، مبارزه علیه استعمار خارجی و تلاش در راستای ایجاد جامعه ای عادلانه و آزاد تاسیس می شود و آزادیخواهی و استبداد ستیزی دو محور اصلی فعالیتهای این تشکل را تشکیل می دهد . از آنجایی که رهبران این تشکل غالباً از فعالین سیاسی جبهه ملی بوده اند نهضت آزادی ایران را نه در عرض جبهه ملی بلکه در طول آن ارزیابی کرده و آن را ادامه فعالیتهای رهبر و پیشوای بزرگ ملی ، دکتر مصدق معرفی کردند . مرحوم بازرگان در یکی از سخنرانیهای سال ۴۰ می گوید : سایر احزاب ملی و صالح قابل احترامند و موسسین آنها مردمان خوبی هستند اما اکثریت مردم در مرام و روش آنها انعکاس عقاید و آمال خود را کاملاً نیافته اند و ممکن است بعضی ها در اصول مرامی و مبانی فکری نهضت آزادی ایران بهتر و بیشتر جواب مکنونات و معتقدات خود را بیابند . ایشان همچنین می افزایند : نهضت آزادی ایران به هیچوجه من الوجوه در صدد ایجاد دکانی در مقابل جبهه ملی ایران و در عرض آن نیست . بلکه در طول آن و در حکم یکی از عناصر تشکیل دهنده و تکمیل کننده آن است .

مهندس بازرگان که رهبری نهضت آزادی را بر عهده داشت جزو معدود اندیشمندانی از طیف روشنفکری دینی قبل از انقلاب بود که از دریچه آزادیخواهی به دین ، انسان و جامعه می نگریست و معتقد بود که دین برای رهایی انسان از قید و بند های بیرونی و درونی آمده و آزادی را از اصول اساسی دین می دانست چنانچه عدالت را بدون حضور آزادی در عرصه سیاست و اجتماع قابل تحقق نمی دید. بازرگان معتقد بود که در یک فضای بسته نه تنها امکان دفاع از حقوق حقه فردی و اجتماعی

ممکن نیست بلکه بارور شدن استعدادهای مادی و معنوی انسان و تحقق یک جامعه دینی نیز در گرو وجود آزادی است. لازم به ذکر است که در فضای سیاسی و فکری قبل از انقلاب که آکنده از ایدئولوژیهای جزم گرایانه و دیدگاههای رادیکالی بود این اندیشه از توان باروری چندانی برخوردار نبود اما بسترهای لازم برای تفکرات آزادیخواهانه بعد از انقلاب را فراهم ساخت.

رویکرد جوانان نهضت آزادی ایران قبل از انقلاب ۵۷

نهضت آزادی ایران در طی فعالیتهای سیاسی و فرهنگی جوانان آگاه و با ایمانی را عمدتاً از طبقات متوسط و دانشگاهی جذب کرد که تأثیرات ارزنده ای را در شکستن فضای خفقان حاکم و همچنین هدایت و آگاهی دهی اقشار مختلف جامعه از خود بر جای گذاشتند. فضای بسیار بسته سیاسی از یکسو و تأثیر پیروزیهای برخی از گروههای چپ در کشورهای نظیر ویتنام و کوبا بر فضای مبارزاتی گروههای سیاسی قبل از انقلاب از سوی دیگر، استراتژی مبارزاتی جدیدی را که مبتنی بر مبارزه مسلحانه بود پیش روی جوانان باز نمود. یادآوری این نکته ضروری است که علاوه بر این که استراتژی مبارزاتی جوانان نهضت از مبارزه مسالمت آمیز به مبارزه مسلحانه تغییر جهت داد، از نظر ایده های فکری نیز، جنبه های عدالت طلبانه بر آموزه های آزادیخواهانه پیشی گرفت.

جمعی از جوانان نهضت در قالب سازمان مجاهدین خلق در سیر تحولات فکری خود در قبل از انقلاب ۵۷ رفته رفته به سمت و سوی باورهای ایدئولوژیک جزم گرایانه گرایش پیدا کرد و پس از شهادت بنیانگذاران آن یک چنین ایده هایی در درون آن تقویت گردید چنانچه بعد از انقلاب، قبول حضور گروههای دیگر با آموزه های متفاوت در عرصه سیاست برای ایشان دشوار گردید. این عدم تساهل، دامنه تنشها و برخوردها را گسترش داد و مورد سوء استفاده های بسیاری بخصوص از جانب روحانیت حاکم که اعتقادی به رویکردهای دمکراتیک نداشت گردید. چنانچه به اعتقاد برخی ها گروه حاکم با ترفندهای بسیار این جوانان را وارد کارزاری کرد که سرانجام آن شکست ایشان و شکل گیری یک نظام انحصارگرا بود..

بعد از انقلاب ۵۷

بعد از انقلاب، نهضت آزادی یا به طور کلی روشنفکری دینی در شرایطی قرار دارد که از نظر اجتماعی و سیاسی، کاملاً از دوران پیشین متفاوت است. روشنفکران دینی پس از انقلاب خود را در چالش با استبداد دینی یافته بودند؛ امری که در اوایل قرن، نایب با یادآوری این نکته که استبداد دینی بدترین نوع استبداد است درباره آن به ملت هشدار داده بود. در هر حال آمیزش قدرت سیاسی و قدرت دینی شرایطی را بوجود آورد که مجال جولان فکری و سیاسی را حتی بیشتر از گذشته از گروههای مختلف گرفته بود. در فاصله سالهای ۵۷ تا ۶۰ که جامعه ایران دوران کوتاه دیگری از آزادیهای سیاسی را تجربه می کرد با برخوردهای شدید میان احزاب و گروهها فضای انحصار گرایانه ای رقم خورد که البته این خود ناشی از تفکرات جزم گرایانه حاکم بر گروهها و احزاب، نبود تمرینات سیاسی کافی برای برخورد دمکراتیک و فقدان نهادهای مدنی پایدار برای سازماندهی امیال و آرزوها و اعتقادات ملت ایران بویژه گروههای سیاسی و همچنین جنگ تحمیلی بود.

متاسفانه در اوایل انقلاب با وجود تلاش‌های فراوان روشنفکران خصوصاً طیف روشنفکری دینی، دیدگاه‌های ایشان از پایه‌های معرفت‌شناسانه عمیقی برخوردار نبود و به نظر می‌رسد در ابتدای انقلاب نتوانست استدلال‌های کافی برای مواجهه با فقه سنتی را که اساس تفکر ولایی بر آن استوار بود ارائه کند از این رو، نظام سیاسی پیشنهادی روحانیت با قوت و قدرت هر چه تمامتر خودنمایی کرد. دیری نپایید برخوردهای ایدئولوژیک و فکری تبدیل به برخوردهای سیاسی و نهایتاً منجر به تنش‌های سیاسی نظامی گردیده، روحانیت سنتی قدرت را به دست گرفت و نظامی آرمانگرا با نگاه به گذشته را پایه‌گذاری کرد.

هر چند تأثیرات برخی از مؤلفه‌های دنیای مدرن از قبیل پارلمان به طور نسبی در نظام جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شد اما به شدت با دستاوردهای دنیای مدرن بخصوص در زمینه علوم انسانی مخالفت می‌ورزید. از نگاه ایشان فقه سنتی تمام دین تلقی شده و برای اداره اجتماع و ارائه روش‌های زیست‌سعادتمندانه کافی بود و ولایت فقیه که نتیجه تفکر فقهی و از لوازم آن بود، بهترین نوع حکومت برآمده از اسلام که دارای پشتوانه عظیمی (این نظر مدافعان این نظریه است) از استدلال‌های مبتنی بر فقه، آیات قرآن و احادیث بود تلقی می‌گردید.

بوجود آمدن این فضای سیاسی و عقیدتی، یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای را در باورهای برخی از روشنفکران دینی بعد از انقلاب ایجاد کرد. آنها که تا آن زمان در جو غالب ایدئولوژی‌گری بنیادگرایانه دست و پا می‌زدند در این شرایط به نگاه آزادیخواهانه مرحوم بازرگان روی آورده و برای تقویت مبانی فکر دینی خود، رو به سوی دشمن شماره یک مارکسیسم و ایده‌های مطلق‌انگاران یعنی منطق پوپر کردند. خود مرحوم بازرگان نیز تحت تأثیر تجربه حکومت دینی پس از انقلاب، در باور خود نسبت به حضور اسلام در حکومت بازنگری کرد او به این اعتقاد رسید که برنامه اصلی انبیا دعوت به سوی خدا و هشدار نسبت به آخرت است و اموری چون سیاست و مدیریت جامعه به خود انسانها واگذار شده است و چون سایر امور می‌تواند با ملاک تجربه و عقلانیت سامان یابد. او در این مورد استدلال می‌کند که اگر اسلام به ما درس آشپزی و باغداری یا چوپانی و خانه‌داری نداده و به خودمان واگذار کرده‌اند تا با استفاده از عقل و تجربه و تعلیمات و با رعایت پاره‌ای احکام حلال و حرام شرعی، آنها را انجام دهیم، امور اقتصادی و مدیریت و سیاست هم به عهده خودمان می‌باشد. بعد می‌افزاید که: اشکالی ندارد که ادیان الهی مبارزه با ستمگران و عدالت و اداره امت را تجویز و تأکید کرده باشند ولی ایدئولوژی و احکام و تعلیمات خاص در آن زمینه‌ها نداده باشند.

در اواخر دهه ۶۰ که سنت‌گرایی دینی به طور فزاینده‌ای نفوذ خود را از دست می‌دهد بسیاری از روشنفکران انقلابی، به سوی بازنگری در آزادی و کثرت‌گرایی، در قلمروهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رانده می‌شوند. این دوران مقارن است با اضمحلال نظام‌های توتالیتر کمونیستی و قدرت یافتن دیدگاه‌های نولیبرال. در یک چنین شرایطی، نواندیشان دینی بر آن می‌شوند تا اندیشه و نهادهای تمامیت‌خواه موجود را از منظری لیبرالی نقد کنند.

بیشتر تلاش‌های برخی از اشخاص با نفوذ و متفکر روشنفکری دینی (از جمله دکتر سروش، مجتهد شبستری و...) در این دوران بیشتر معطوف به موارد زیر بوده است:

۱. تلاش برای درک عمیق‌تر مفاهیم مدرنیته و ایجاد پیوند مناسب میان دین و مدرنیته

۲. تقدس‌زدایی از حکومت

۳. معرفی کتاب آسمانی بعنوان منبع غیر ایدئولوژیک و حداقلی که تنها چارچوب کلی و اصول زندگی انسان را ترسیم کرده است .

۴. تلاش در راستای نشان دادن این امر که هر چند قرآن کامل است اما اطلاعات انسانها کامل نیست و با پیش زمینه های فکری خاص خود به قرآن رجوع می کند از این رو تفسیرها متعدد بوده و در هر مکان و زمانی برداشتهای متفاوتی از قرآن می تواند ارائه گردد .

۵. از آنجا که حق مطلق در اختیار هیچ فرد ، قشر و یا گروه خاصی نیست از این رو ادعای حقانیت مطلق و تسلط بر جامعه بر اساس این حقانیت باطل است .

۶. از آنجا که نیازهای بشر و پیچیدگیهای زندگی او در گذر زمان تغییر کرده و بیشتر می شود تکیه صرف بر سنتها و اداره جامعه تنها بر اساس آنها نه تنها راهگشا خواهد بود بلکه پویایی و حرکت را از فرد و جامعه خواهد ستاند

۷. نظامهای ایدئولوژیک چه از نوع دینی و چه غیر دینی در نهایت به حاکمیت یک گروه خاص منجر شده و نتیجه ای جز دیکتاتوری و استبداد نداشته و زوال جامعه را در پی خواهد داشت .

۸. دستاوردهای غرب در زمینه منطق و سیاست خارج از چارچوبهای ارزش اسلامی نبوده و عمل به آنها در چارچوب فرهنگی جامعه ایران می تواند راهگشای توسعه و پیشرفت جامعه باشد .

سیر تلاشهای روشنفکران در راستای گریز از مطلق گرایی ، ایدئولوژیگری و آرمانگرایی بنیادگرایانه و توجه بیش از حد به تساهل و مدارا ، نهادهای مدنی و عقلانیت از یک سو و عملکرد نابردانه و نه چندان موفقیت آمیز نظام حاکم در عرصه های اقتصادی و سیاسی از سویی دیگر بدبینی عمیقی را نسبت به حاکمیت چه در میان گروههای سیاسی و چه عموم مردم دامن زد . حضور آقای خاتمی بعنوان یک چهره آزادیخواه مردمی در عرصه سیاست کشور فضای سیاسی جامعه را که تا آن موقع به شدت بسته بود ، بازتر نمود و نهضت آزادی و سایر گروههای سیاسی مخالف از این فرصت استفاده نموده و تفکرات خود را این بار در سطح وسیعی از جامعه پراکندند . این بار نیز دانشگاهها و مراکز علمی در کنار رسانه ها رسالت خود را در آگاهی دهی و بیداری ملت ایران بیش از پیش پی گرفتند. در این میان نهضت آزادی با امکانات کمی که در اختیار داشت توانست پایگاههایی را بخصوص در مراکز علمی و دانشگاهها برای خود بدست آورد و اعتراضاتی را در کنار سایر گروههای سیاسی آزادیخواه به عملکرد غیر قانونی و آزادی ستیز حاکمیت ساماندهی کند . شوروشوقی که در میان جوانان آگاه و آزاده در آن دوران برای برقراری نظم و قانون و تلاش برای ایجاد یک نظام آزاد بوجود آمده بود وصف ناپذیر است . البته لازم به ذکر است فعالیتهای سیاسی جوانان و حتی اعضای جوانی که نهضت جذب کرده بود همواره در قالب شیوه های مبارزاتی دموکراتیک پی گیری نمی شد و این خود از پیامدهای دوران طولانی استبداد حاکم در این کشور و نبود آگاهی کافی از چگونگی بکار بستن ابزارهای دموکراتیک فعالیت سیاسی ناشی می شد .

متأسفانه نبود تحمل کافی از سوی حاکمیت در رابطه با حضور مخالفان در عرصه سیاست از یکسو و شوروشوق جوانان جهت برقراری نظم و قانون و آزادی از سویی دیگر ، تنشهای چندی را بخصوص در دانشگاهها دامن زد و سرانجام تدریجاً حکومتی با یک برنامه از پیش تعیین شده دانشجویان را مورد تعرض قرار داده و موجبات برخوردهای شدیدتری را فراهم کردند که نهایتاً منجر به دستگیری و زندانی شدن تعداد کثیری از رهبران دانشجویی گردید. این امر سبب سستی و انفعال و احساس ضعف

بیش از حد جوانان و حتی عموم مردم گردید و به نظر می رسد جناح تندرو حاکمیت تا حدود زیادی به اهداف خود رسید. این روند انفعالی مردم در عرصه سیاست تا آنجایی پیش رفت که در انتخاباتهای مربوط به شوراها، مجلس و دولت جناح تندرو توانست موفقیت های زیادی را کسب کرده و فضایی را بوجود آورد که تا حدود زیادی شبیه سالهای بین ۵۰ تا ۵۶ می باشد با این تفاوت که :

۱. سطح آگاهیهای مردم نسبت به مفاهیم مدرن بالاتر رفته است .

۲. تساهل و مدارا در میان مردم جایگزین برخوردهای خشونت آمیز گردیده

۳. دیدگاههای نگرش امپریالیستی به غرب و آمریکا و نگرش منفی به تفکرات غربی کمرنگ تر شده.

۴. عقلانیت انتقادی جایگزین جزم گرایی و مطلق گرایی گردیده است .

در یک چنین فضایی جوانان نهضت آزادی با تاسی به قرآن و سیره پیامبر و امامان و با استفاده از تجربیات ارزشمند گذشتگان و اینارگریهای جوانان قبل از انقلاب و دستاورد های دنیای مدرن ، اصول و مبانی فکری خود را سامان داده و سعی دارند که ابتدا با تمرینات مکرر اخلاقی ، خود را از چنگال فرهنگ استبدادی حاکم بر وجود خویش رهائی بخشیده و فعالیت های خود را در عرصه سیاست و اجتماع با توسل به شیوه های دموکراتیک از طریق ساماندهی اعتراضات مسالمت آمیز بیش از پیش گسترش داده و دانش و اطلاعات کافی و روحیه اخلاقی لازم برای حضور در آینده ای آزاد و دموکراتیک کسب نماید.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

گزارشی از سخنرانی میهمانان مراسم چهل و پنجمین سالگرد نهضت آزادی ایران

۱۳۸۵/۲/۲۸

دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی

محمدرضا خاتمی دبیرکل جبهه مشارکت نیز در چهل و پنجمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران، از حرکت این نهضت قدردانی کرد و گفت: این‌که این نهضت ظرف ۴۵ سال بر یک شیوه و یک راه حرکت کند قابل اهمیت است و برای دیگر جریان‌ها فارق از این‌که موافق نهضت باشند یا نه، منشاء کسب تجربه است.

وی با اعتقاد بر این‌که نهضت ضمن تقویت شاخه جوانان باید نگاهی هم به گذشته داشته باشد، از این‌که تجربه نسل‌های قدیم به نسل‌های جدید منتقل نمی‌شود اظهار تأسف کرد.

خاتمی اظهارداشت: نهضت را به‌عنوان جریانی می‌شناسم که در کنار ایرانی بودنش به مسلمان بودن خودش هم افتخار کرده است و ثابت کرده که اگر ایرادهایی هم است به رفتارهای دینی است نه اصل دین.

وی با اشاره به این‌که برخی جریان‌ها به حضور دین در عرصه سیاست و حاکمیت اعتقاد ندارند، وجه تمایز نهضت آزادی با این جریان‌ها را در سال‌های پیش از انقلاب در آن دانست که نهضت به اصل دین پایبند بوده و آن را حفظ کرده است.

خاتمی به آنان که مشعل نهضت آزادی را روشن نگه‌داشته‌اند تبریک گفت و افزود ممکن است جریان‌هایی از دل نهضت بیرون آمده باشد که عملکرد و راهی دیگر را پیشه کرده باشد ولی این نهضت در راه خود استوار بوده است.

دبیرکل جبهه مشارکت برای این تشکل آرزوی موفقیت و پایداری کرد.

سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات

اگر بخواهم زمانی فعالیت سیاسی داشته باشم نهضت آزادی را برمی‌گزینم .

ماشاءالله شمس‌الواعظین سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات و سردبیر ماهنامه کیان با اشاره به این‌که در آن نشریه به بحث‌های سنت و روشنفکری دینی می‌پرداخته‌اند ادامه داد: نهضت آزادی ایران یک جریان روشنفکری میانه‌رو در تاریخ روشنفکری ایران است.

وی گفت: اگر روزی روزنامه‌نگاری را کنار بگذارم و بخواهم فعال سیاسی شوم حتماً نهضت آزادی را انتخاب خواهم کرد.

این روزنامه‌نگار به ذکر دو نکته پرداخت: نخست آنکه عمر بلند نهضت آزادی ایران به آن شخصیت نهادینه شده‌ای داده و آن را الگوی دیگر گروه‌ها قرار داده است.

وی رقیب ملی این نهضت را جبهه ملی و رقیب غیر ملی آن را توده خواند و گفت: نهضت آزادی در این میان حرکت جامع‌الاطرافی دارد که طولانی بودن مدت فعالیتش، سنت‌ها، عرف‌ها و سن تشکیلاتی را ایجاد کرده که دیگر نیروهای سیاسی می‌توانند از آن بهره ببرند.

شمس‌الواعظین از حکومت پرسید: آیا با جریان‌های حزبی ریشه‌دار می‌توانند تعامل کنند یا نهادهای قارچ‌گونه‌ای که طی سال‌های گذشته رشد و نمو یافته است؟ کدام یک از اینها استقرار و ثبات را برای حکومت به همراه خواهد داشت؟

وی به عنوان ناظر بیرونی گفت: کسب قدرت یک اتهام نیست بلکه یک حق است. احزاب سیاسی برای کسب قدرت مبارزه و تلاش می‌کنند. سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات در نقد اندیشه‌های پیشادموکراسی و پسادموکراسی دکتر یزدی گفت: بیشتر چهره‌هایی که اینجا هستند یا زندان رفته‌اند و یا در آستانه زندان هستند. نهضت آزادی ایران با این عمر طولانی باید بتواند با جامعه و بدنه آن ارتباط بیابد چون در غیر اینصورت نقش جدید نهضت در صفوف جامعه دیده نمی‌شود.

وی بر همین اساس پیشنهاد کرد که شاخه جوانان نهضت آزادی ایران فعال‌تر شوند و اظهار امیدواری کرد که یک زمانی اعضاء نهضت آزادی ایران صدمین سالگرد تأسیس نهضت را جشن بگیرند.

جلالی زاده

جلال جلالی زاده به نمایندگی از جنبش اصلاح‌طلبان کرد در چهل و پنجمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی ایران با بیان این‌که این حزب خالی از ایراد نبوده است، گفت: این حزب خائن به ملت نبوده است و این بسیار مهم است که گویای شایستگی و سلامت این حزب است که به امروز رسیده و پیام‌دار و پرچم‌دار مردم بوده است.

وی با گلایه از این‌که امروز هستند کسانی که کردهایی همچو او را نه ایرانی می‌دانند نه مسلمان، ادامه داد: آنچه موجب این جدایی‌ها شده است آن که نص‌های غیر صحیح را ملاک قرار داده‌اند.

جلالی‌زاده از احزاب ملی خواست تا این موضوع را دریابند که چرا بحران‌های بسیاری در این زمینه کشور را تهدید می‌کند. نماینده سابق مجلس ششم عدم توسعه‌یافتگی و سازمان‌یافتگی احزابی چون نهضت آزادی ایران را در بی‌تفاوتی مردم ریشه‌یابی کرد و گفت: نباید نهضت آزادی را در این زمینه مقصر دانست. به نظر من مردم مقصر هستند که علی‌رغم افتخار به این که مشروطه را صدساله کرده‌اند، نسبت به تحزب بی‌تفاوتند. به گفته وی عدم برخورداری از رسانه برای نهضت آزادی ایران نیز عاملی در عدم سازمان‌یافتگی‌اش بوده است. مضاف بر این‌که این حزب هیچ‌گاه به مصاف و رقابت با دیگر احزاب نرفته است.

جلالی‌زاده با بیان اینکه نهضت آزادی همچون برخی احزاب به نام اسلام و ایران، به نان و نامی نرسیده است، خاطر نشان کرد: در سال‌های اختناق دهه ۴۰ که مردم از سیاست و سیاست‌ورزی متنفر بودند، این حزب پا گرفت و این روزها در مجامع فرهنگی و دانشگاه‌ها پایگاه اجتماعی دارد و این گویای محبوبیت این حزب در ایران است.

این عضو جنبش اصلاح‌طلبان کرد از بیانیه سال گذشته نهضت آزادی در دفاع از قومیت‌ها و کردها تقدیر کرد و خواستار آن شد که دیگر گروه‌های سیاسی نیز در این زمینه فعال شوند. بویژه آنکه حقوق قومیت‌ها در قانون اساسی هم به رسمیت شناخته شده است.

وی با اشاره به اینکه تأکید و تکیه بر قانون اساسی از جمله مؤکدات نهضت آزادی ایران را پیش و پس از انقلاب بوده است، متذکر شد: آنچه که مهم است کیفیت عملکرد احزاب است و نه کیفیت آنها اعم از شعار احزاب و یا حامیان و اعضایش.

عبدالله مؤمنی:

عبدالله مؤمنی سخنگوی سازمان ادوار دفتر تحکیم وحدت نیز طی سخنانی گفت: شرایطی که نهضت آزادی ایران در آن به سر می‌برد و بیش از نیمی از عصر خود را در نظام جمهوری اسلامی طی کرده است، شرایطی است که بسیاری از آرمانگرایان جمهوری خواهی همچنان از فقر دموکراسی و جمهوریت رنج می‌برند.

وی به سابقه پرافتخار نهضت آزادی ایران اشاره کرد و گفت: نهضت آزادی ایران عکس پدران و بزرگان خود را نصب کرده و به آن افتخار می‌کند ولی نیمی از جریان‌های سیاسی این کار را نکرده و از انتصاب به بزرگان خود طفره می‌روند چون آنها را بیشتر دفع‌کننده می‌دانند تا جذب‌کننده. این یک افتخار و سابقه خوب برای نهضت آزادی ایران است.

مؤمنی به عملکرد موفق اعضای نهضت آزادی ایران اشاره کرد و گفت: عدم حضور این طیف در قدرت سبب شده که شرمنده از عملکرد خود نباشند. نهضت آزادی ایران به‌عنوان یک حزب توسعه یافته نیازمند توسعه‌یافتگی و قوت بیشتر است.

وی اظهار امیدواری کرد که طی سال‌های آینده آزادی بیشتری در کشور فراهم شود و حاکمیت به سمت پذیرش آزادی و دموکراسی پیش رود و احزاب آزادانه‌تر فعالیت کنند تا ساختار دموکراتیک را به قدرت تحمیل کنند.

این عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت اسلامی یک دلیل عدم گسترش و سازمان‌یافتگی نهضت آزادی را در عدم تجربه کارهای جمعی و حزبی در کشور ریشه‌یابی کرد که در کنار مانع تراشی‌های حاکمیت، عامل مؤثری در این رشدنیافتگی احزاب سیاسی در ایران بوده است. وی بر این اساس اظهار امیدواری کرد که تشکیلات نهضت آزادی طی سال‌های گذشته افزایش یافته و حتی جنبش عمومی برای آزادی ملت ایران شکل بگیرد.

نرگس محمدی:

نرگس محمدی سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر در چهل و پنجمین سالگرد نهضت آزادی ایران، تجربه‌ی این حزب را قابل نقد، بررسی و دانست و گفت: این حزب طی این سالها حضور داشته و در تحولات سیاسی و فکری بویژه در زمینه روش فکری دینی موثر بوده است.

وی از بزرگان نهضت آزادی ایران طالقانی، سبحانی و بازرگان یاد کرد که نه تنها در تحولات سیاسی نقش داشته‌اند بلکه در تحولات فکری هم بسیار موثر بوده‌اند. این تحول آفرینی همزمان برای بسیاری از نسل‌های جدید باور کردنی نیست که هم تحول سیاسی را پیگیری و هم افرادی معتقد و پایبند بوده‌اند. وی افزود: نظر و عمل دینی و سیاسی از جمله خصلت‌های نهضت آزادی ایران است که از جمله وجوه تمایز این تشکل با دیگر گروه‌ها است. محمدی از این نکته به‌عنوان در هم تنیدگی کار و فکر دینی و سیاسی یاد کرد. وی از نهضت آزادی ایران خواست تا به مقوله حقوق بشر به‌عنوان یک امر عینی و ضروری دقت و توجه کند. سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر به دو رویکرد در این زمینه اشاره کرد: نخست نظارت سازمان‌های حقوق بشری و دیگری پیگیری حقوق بشر در لایه‌های اجتماعی.

محمّدی از این تشکل خواست تا توجه بیشتری در این زمینه داشته باشد چرا که حقوق بشر امری دینی و دیرپا است و نهضت آزادی به عنوان یک حزب دیر پا باید به این سوال پاسخ دهد که حقوق بشر با اسلام سازگاری دارد یا نه و چه نقاط اصطکاک با یکدیگر دارند.